



## چهارشنبه 25 آذر 28 ذی الحجه 16 دسامبر

واقعه حرّه و قتل عام اهالی مدینه در سال 63 هجری قمری ...

### واقعه حرّه و قتل عام اهالی مدینه در سال 63 هجری قمری

پس از شهادت امام حسین(ع) و یاران وفا دارش در سرزمین کربلا و اسیر شدن بازماندگانشان به دست سپاه یزید بن معاویه و افشاگری بازماندگان اهل بیت(ع) مانند امام زین العابدین(ع)، حضرت زینب کبری(س)، حضرت رباب همسر امام حسین(ع) و دیگر اسیران و هواداران اهل بیت(ع)، جوّ عمومی مسلمانان نسبت به یزید بن معاویه و کردار غیر اسلامی وی متغیر و او در جامعه اسلامی بی مقدار و ستمگر نشان داده شد و روز به روز تنفر مردم نسبت به وی و عاملان و مزدوران او زیاد تر می گردید.

یزید بن معاویه برای کاهش ناراضیتهای مردمی، تعدادی از معاریف و بزرگان حجاز، از جمله عبدالله بن حنظله را به دمشق دعوت کرد و از آنان پذیرایی نیکویی به عمل آورد و بخششهای زیادی به آنان نمود، تا از این راه، آنان را به خود جذب کرده و تعریف و با توصیفهای آنان از یزید، تنفر عمومی مردم را از حکومت بکاهد.

ولیکن، نتیجه کار یزید، بر عکس شد. زیرا آنهایی که به کاخ یزید رفته بودند، چیزهایی از یزید و درباریان او دیده بودند که هرگز چنین تصویری پیش از این در باره وی نداشتند و تازه فهمیدند که امام حسین(ع) به حق بر ضد یزید قیام کرد و در این راه کشته شد. بدین جهت آنان نیز به افشاگری یزید پرداخته و هر آنچه دیده بودند برای مردم بیان کردند و بخششهای یزید و تطمیعهای وی تأثیری در این ماجرا نداشت.

عبدالله بن حنظله، فرزند شهید نامدار اسلام "حنظله غسیل الملائکه" بود، که پدرش یک روز پس از عروسی اش، در جنگ احد کشته شد و به حنظله غسیل الملائکه معروف ولی فرزندی از او به جا ماند که عبدالله نامیده می شد و با مراقبت و تربیت مادرش، رشد یافت و از بزرگان و معاریف مدینه منوره گردید. وی پس از بازگشت از شام، در جمعی از مردم مدینه خطبه ای خواند و چنین گفت: فوالله ما خرجنا علی یزید حتی خفنا أن نرمي بالحجارة من السماء... به خدا سوگند ما بر علیه یزید قیام نکردیم، مگر اینکه می ترسیم [با سکوت و سازش ما با او] آسمان، سنگ بر ما ببارد. زیرا او مردی است که ازدواج با مادران، دختران و خواهران را مباح می کند و در روز روشن خمر می نوشد و به نماز بی توجهی می کند.

بدین گونه چهره واقعی یزید بن معاویه، خلیفه غاصب و ستمگر را برای اهالی مدینه منوره روشن نمود و آنان را به نا فرمانی و قیام عمومی بر ضد او فرا خواند.

سر انجام اهالی این شهر مقدس به رهبری عبدالله بن حنظله، بر عامل یزید در این شهر یعنی عثمان بن محمد بن ابی سفیان فشار آورده و او را به همراه تمامی افراد خاندان ستم پیشه بنی امیه و هواداران او از شهر اخراج کردند، و شهر را به تصرف خویش در آوردند. در همین هنگام عبدالله بن زبیر نیز در مکه معظمه قیام کرد و این شهر را از دست بنی امیه بیرون آورده بود.

یزید بن معاویه، برای سرکوبی مردم حجاز، مسلم بن عقبه را که به خون ریزی و جنایت کاری معروف بود، با سپاهی عظیم به سوی آنان گسیل داشت و این سپاه از راهنماییهای عبد الملک بن مروان، که از فراریان مدینه بود اطلاعات لازم را به دست آورد و سر انجام در 28 ذی حجه، سال 63 قمری به شهر مدینه منوره هجوم آوردند و با انقلابیون و مخالفان بنی امیه به نبرد پرداختند. انقلابیون مدینه تا توان داشتند به رزم بی امان خود ادامه دادند ولی سپاه حجیم و پر تعداد شامی توانشان را برید و آنان را وادار به شکست سنگین نمود.

تعداد زیادی از مردم مدینه کشته و زخمی گردیدند و عده ای نیز فرار کرده و به عبدالله بن زبیر در مکه معظمه پیوستند. عبدالله بن حنظله و فرزندان وی در این نبرد نابرابر به شهادت رسیدند.

مسلم بن عقبه سه روز جان، مال و ناموس اهالی مدینه را بر لشکریانش مباح کرد و سپاهیان بی نزاکت شامی چنان وحشی گری نمودند که روی تاریخ را سیاه کردند و بر هیچ یک از بازماندگان صحابه رسول خدا(ص) و فرزندان و نوادگانش ترحم نکردند و قتل عام بزرگی به راه انداختند. گویند قریب هزار و هفتاد تن از بزرگان و بزرگ زادگان و حدود ده هزار نفر از سایر مردم مدینه در این واقعه قتل عام شدند.

لشکریان یزید بنا به فرمان وی، تنها به بیت معظم حضرت امام زین العابدین(ع) و علی بن عبدالله بن عباس متعرض نشدند. این واقعه هولناک را رسول خدا(ص) در سفری که به مکه معظمه می رفت در سرزمین حرّه [در یک مایلی بیرون مدینه] پیش گویی کرد و برای آن بسیار متأثر شد.

رحلت ملا هادی سبزواری صاحب اسرار الحکم در سال 1289 هجری قمری

خلاصه ای از زندگی این بزرگ مرد عرصه دین و دانش:

ولادت : ملا هادی سبزواری در سال 1212 هجری قمری در سبزواری خراسان چشم به جهان گشود پدر وی حاج مهدی از بزرگان و تجار سبزواری بود.

تحصیل : ملا هادی به ترغیب پدر و به شوق فطری در زادگاه خود مشغول تحصیل شد. بعد از اتمام مقدمات در سن 21 سالگی جهت زیارت خانه خدا از سبزواری خارج گردید. ملا هادی در خاطرات خود می گوید در بین راه وقتی به اصفهان رسیدم ( اصفهان آن روز دارالعلم بود ) مدتی اقامت نموده روزی در جلسه درس مرحوم آخوند ملا اسماعیل حاضر شدم جاذبه معنوی آن

بزرگوار و رفتار عارفانه آن استاد با شاگردانش چنان مرا مجذوب نمود که موونه سفر حج را به کتاب و دفتر و لوازم اقامت صرف کرده قرار را بر حرکت ترجیح داده و حدود 10 سال از محضر آخوند بهره های بیشمار بردم در سال 1242 هجری قمری که مرادم بر حسب ضرورت به تهران تشریف بردند من هم به خراسان برگشتم و در مدرسه حاج حسن مشغول مباحث علوم نقلیه و علوم عقلیه شدم ...

اساتید : حکیم سبزواری از محضر اساتید عالیقدری در اصفهان تلمذ نمود و سپس به مدت 40 سال در سبزواری مشغول تدریس گردید. جهت تبرک به نام چهار نفر از آنها اشاره می شود.

- 1- حاج محمد ابراهیم بن محمد حسن خراسانی معروف به کرباسی.
- 2- شیخ محمد تقی بن عبد الرحیم معروف به صاحب الهدایه.
- 3- ملا علی بن ملا جمشید مازندرانی نوری اصفهانی.
- 4- ملا اسماعیل درب کوشکی فرزند ملا سمیع.

شاگردان : شاگردان بی شماری از مکتب پر فیض حکیم بهره مند شده اند که به چند نفر از آنها اشاره می شود.

- 1- آخوند ملا محمد فرزند ارشد ملا هادی سبزواری.
- 2- آخوند ملا کاظم خراسانی صاحب کفایه الاصول.
- 3- ملا محمد کاظم سبزواری.
- 4- آقا شیخ علی فاضل تبتی.
- 5- حاج میرزا حسین مجتهد سبزواری.
- 6- آقا سید احمد رضوی پیشاوری.
- 7- ملا عبد الکریم قوچانی.
- 8- سید عبد الغفور جهرمی .
- 9- حاج میزرا ابوطالب زنجانی.
- 10- آقا میرزا حسین امام جمعه کرمانی.

تألیفات : برخی از آثار مشهور آن اندیشمند فرزانه عبارتند از :

- 1- منظومه و شرح منظومه سبزواری که حاصل تلاش 20 ساله حکیم است.
- 2- دیوان شعر که شامل هزار بیت از غزلیات، رباعیات و اشعار عرفانی می باشد.
- 3- اسرار الحکم که به خواهش ناصر الدین شاه نگارش یافت.
- 4- شرح فارسی بر برخی از ابیات مشکل مثنوی مولوی.
- 5- مفتاح الفلاح و مصباح النجاح که شرح دعای شریف صباح است.
- 6- شرح الاسماء که شرح دعای جوشن کبیر است.
- 7- النبراس فی اسرار الاساس که شامل یک دوره فقه در قالب نظم است.
- 8- راج قراح و کتاب رحیق که در علم بدیع نوشته شده است.
- 9- حاشیه بر شواهد الربوبیه ملاصدرا.
- 10- حاشیه بر اسفار اربعه ملا صدرا.
- 11- حواشی بر کتاب مفاتیح الغیب ملا صدرا.
- 12- حاشیه بر شرح سیوطی.
- 13- حاشیه بر کتاب شوارق ملا عبد الرزاق لاهیجی.
- 14- هدایه الطالبین فی معرفه الانبیاء و ائمه المعصومین.
- 15- مجموعه رسایل که در بر گیرنده سئوالات و جوابها است.

گفتار بزرگان : 1- (کنت دوگو بینو) وزیر مختار فرانسه که در زمان حیات حکیم به ایران آمده بود می گوید : جناب حاج ملا هادی سبزواری فیلسوف عالیقدری است که معلوماتش بر شالوده محکمی استوار و در تمام رشته های علوم و فلسفه مقام استادی دارد. 2- (دوارد برون) خاور شناس معروف انگلستان در کتاب ( در میان ایرانیان) نوشته : او در ایام تحصیل در اصفهان آن چنان در راه تحصیل بخصوص تحصیل فلسفه کوشید که در شبانه روز بیش از چهار ساعت نمی خوابید و سایر اوقات او صرف مطالعه و یا مباحثه با طلاب می شد.

3- محمد اقبال شاعر و فیلسوف پاکستانی می گوید : او بزرگ ترین متفکر عصر اخیر ایران است او به حق جهان بینی ایستای افلاطون را دگرگون کرد از دیدگاه او همه موجودات عالم به کمال عشق می ورزند.

4- (پرفسور توشی هیکو) دانشمند ژاپنی و استاد ممتاز دانشگاه توکیو می گوید : حاج ملا هادی سبزواری صاحب اثر معروف منظومه و شرح آن به عنوان یک عارف از طریق کامل ترین نوع تجربه شخصی قادر بود که به ژرفای اقیانوس هستی و به دیدار اسرار وجود با چشم روحانی خویش راه یابد.

خصوصیات اخلاقی : ملا به مال دنیا کاملاً بی اعتنا بود و تمام ارث پدر را احسان نمود او معتقد بود طعامی که انسان مصرف می کند، باید از دسترنج خود باشد وقتی ناصر الدین شاه قاجار در سفر اول خراسان به سبزواری رسید شخصا به خانه آن مرحوم رفته

و بر روی همان حصیر که در اتاقش افتاده بود جلوس نمود و از ملا تقاضا کرد کتابی در اصول دین تألیف نماید وقتی شاه از خانه بیرون رفت پیشخدمت مخصوص شاه وارد و به عرض ملا رسانید، شاه پانصد تومان سکه نقره خدمتتان ارسال داشته اینک بار قاطر سر کوچه است اگر اجازه فرمایید وارد شود فرمود داخل کوچه من ننمایید به حاجی عبدالواهاب بگویید بیایید ببرد مدرسه، نصف پول را به طلاب مدرسه قسمت کند نصف دیگر به فقرا دهد. آن بزرگوار پیوسته به حداقل خوردنی ها و آشامیدنی ها قناعت می کرد.

وی در تمام مدت عمر در يك خانه بسیار ساده زندگی می کرد. خانه ای که در آن سالیان سال به حل و فصل پیچیدگی های منطق و فلسفه پرداخت و منظومه جاودانه خود را در همان خانه سرود. آن خانه گلی که ناصر الدین شاه را در آنجا به حضور پذیرفته بود.

حکیم برای تأمین معاش، خود کار می کرد حاج ملا محمد هیدجی در این زمینه می گوید : معاش حکیم منحصر به يك جفت گاو و يك باغچه بود او هر آنچه را که مورد نیاز بود، با دسترنج خودش به دست می آورد و نان سالیانه خود را با زراعتی که خود آن را به عهده داشت مهیا می کرد و بسیاری از غذاهای خود را از همان يك جفت گاو تهیه می نمود.

از ملا هادی سبزواری کرامت های زیادی نقل شده است که به نمونه ای از آنها اشاره می شود. مرحوم حاج شیخ عبد النبی نوری که یکی از فقهای بزرگ بود نقل کرده : ایام جوانی در شهر تهران مشغول به تحصیل علوم بودم و به هر علمی رغبت داشتم و مایل بودم که آن را فرا گیرم، از آن جمله علوم مورد علاقه من علم کیمیا بود عاقبت به تحصیل آن روی آوردم اما این مطلب را از همه افراد همچنان پنهان می داشتم و در واقع به طور مخفیانه در پی کسب آن بودم تا این که روزی يك کاروان از شهرستان نور به قصد زیارت حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) به مشهد می رفت، من نیز به آن جماعت ملحق شدم موقعی که به شهر سبزواری رسیدم مایل بودم که جهت تبرک به زیارت حکیم بروم از این رو با تعدادی از دوستان به منزل او رفتیم و به دست بوسی وی نایل گشتیم.

موقع خدا حافظی در حالی که حکیم ما را بدرقه می کرد. ناگهان متوجه شدم که با اشاره مرا به گوشه ای فرا می خواند آنگاه در حالی که دوستانم با من کمی فاصله داشتند به آهستگی مرا کمی نصیحت کرد و فرمود : از آن کاری که مخفیانه انجام می دهی بر حذر باش و آن را ترك کن زیرا به صلاح شما نیست. من بلافاصله فهمیدم منظور حکیم همان علم کیمیاست خیلی تعجب کردم و از اینکه تا آن روز احدی از آن با خبر نبود پی به کرامت حکیم بردم و مقام و منزلت آن عارف بزرگ بیش از پیش بر من آشکار گشت.

مقام علمی : حکیم سبزواری آموزگاری ممتاز و مربی زبر دست در عصر خود بود و عشق عمیقی به تعلیم و تربیت انسان های شایسته داشت. او به کیمیا گری گفته بود : شما می کوشید فلز مس را به طلا تبدیل نمایید و ما تلاش می کنیم مس وجود اشخاص را به طلا تبدیل نماییم.

یکی از گرانقدر ترین آثار علمی حکیم که نشانگر مقام علمی ایشان است و امروزه در حوزه های علمی و حتی خارج از حوزه جایگاه وسیعی را برای خود باز کرده و به عنوان پشتوانه عظیمی در حکمت و منطق مطرح، و علت اصلی شهرت جهانی وی بوده است کتابی به نام منظومه و شرح منظومه سبزواری است. این اثر نفیس و کم نظیر حاصل تلاش بیش از 20 سال از عمر با برکت حکیم در سنین جوانی می باشد.

وفات : حکیم عالیقدر حتی تا آخرین روزهای حیات خویش دست از تعلیم و تعلم بر نداشت و در حالی که ضعف و ناتوانی سراسر وجودش را فرا گرفته بود، همچنان در حوزه های درسی شرکت می کرد درست سه روز قبل از وفاتش در حین تدریس از شدت ضعف کتاب از دستش افتاد و به حالت بیهوشی به منزل بردند متأسفانه روز به روز آثار غروب عمر حکیم بر چهره نورانش بیشتر نقش می بست تا اینکه عاقبت آن بزرگوار بعد از 78 سال زندگی پر بار در روز 28 ماه ذیحجه سال 1289 هجری قمری، دعوت حق را لبیک گفت و جسد مطهر آن فقیه نامدار را در بیرون دروازه سبزواری بر سر راه زایران به خاک سپردند.

درگذشت نوازده تار استاد نصرالله زرین پنجه در سال 1360 هجری شمسی

استاد نصرالله زرین پنجه از مشهورترین نوازندگان تار در سال 1360 هجری شمسی دارفانی را وداع گفت. زرین پنجه از 13 سالگی آموختن تار را آغاز کرد و از آن پس با جدیت تمام درراه یادگیری کوشید. او ازدانش بزرگانی چون مرتضی هانی داوود، یحیی از زرین پنجه و علی اکبر شهنازی استفاده کرد و بعد ازآشنایی با استاد موسی معروفی از ردیف های ایشان فیض کامل برد. زرین پنجه مدتی از موسیقی کناره گرفت اما بعد از تأسیس کلاسهای هنرستان موسیقی دوباره شوقی یافت و به تعلیم پرداخت. استاد زرین پنجه سالها با رادیو همکاری کرد و رهبر ارکستر سازهای ایرانی رادیو بود. ایشان همچنین در تدریس کتابهای تار و سه تار از انتشارات هنرستان موسیقی ملی سهم بسزایی داشت.

روز پژوهش

موفقیت روزافزون علم در شناخت جهان همدار و قانونمند که با تکیه بر ابتکارات خلاقیت های به ودیعه نهاده شده از سوی خدای متعال در وجود بشر و بهره برداری از قدرت شگرف اندیشه آدمی صورت گرفته، فضای زندگی جدیدی را برای انسان ها به ارمغان آورده است. این فضای جدید و این تمدن نوظهور که خود برخاسته از تعاملات عمیق میان تمدنی و میان فرهنگی است، موجد خواست ها، نیازها، اندیشه ها مسائل و مشکلاتی است که به نوبه خود توسعه علم و اندیشه را می طلبند.

در این مسیر اندیشه های ژرف در قالب پژوهش های بنیادین صورت بحث پذیر به خود می گیرند و دستمایه انجام پژوهش های

کاربردی می شوند تا خواست ها و نیازها را پاسخ گویند و راه حل های بهتر و بیشتری برای مسائل و مشکلات جوامع بشری پیشنهاد کنند و همین جاست که نقش موثر و سهم به سزای بخش تحقیقات در روند تحولات جوامع آشکار می شود. تحولات زندگی بشر در قرن بیستم نشان از گسترش روزافزون اهمیت علم و تحقیق داشت، به ویژه در نیمه دوم این قرن کشورهای صنعتی و در حال توسعه با آگاهی از نقش پژوهش در خلق فن آوری و شتاب دهی برای توسعه، عمده توجه خود را مصروف تقویت و ارتقای بخش تحقیق نموده اند. از این روست که می توان گفت بین پیشرفت بخش تحقیق و شتاب توسعه فراگیر و پایدار در هر کشور ارتباط مستقیم برقرار است.

اکنون در ابتدای قرن بیست و یکم قرار داریم و باید خود را برای چالش های فراروی آماده کنیم. کشور ما در آستانه این قرن با مشکلات عظیم اقتصادی مواجه است، تورم، بیکاری، ترکیب جمعیتی جوان، وابستگی به درآمد نفت و نوسان در تصمیم گیری ها سیاست گذاری های مدیریتی تنها موارد اولیه فهرست این مشکلات عظیم اند. تجربه نشان داده است که یافتن راه حل های پایدار برای مشکلات عظیم اقتصادی مستلزم تعریف و ارائه الگو و مدل توسعه ملی سازگار با فرهنگ، تاریخ و خصوصیات نهادی در هویت هر ملت است. این مهم بدون انجام پژوهش های گسترده و مبتنی بر اصول علمی، و صرفاً با اهداف کاملاً کاربردی دست نیافتنی است. نقش پژوهش در توسعه همه جانبه پایدار چنان برجسته و انکارناپذیر است که می توان آن را بدون تردید نیروی محرک توسعه در همه حوزه ها اعم از فرهنگ، اقتصاد، سیاست و جامعه دانست. اما علی رغم اعتراف و اذعان نسبت به اهمیت مقوله پژوهش، این حوزه با دشواری های ساختاری و عملکردی فراوانی مواجه است.

به طور عمده اهم مشکلات مقوله تحقیق در کشور عبارت اند از:

#### 1- مسایل فرهنگی:

به جرات می توان گفت تحقیق در سطوح گوناگون کشور ما جزئی از فرهنگ نیست. نه در حوزه سیاست و اقتصاد و فرهنگ و جامعه و نه در سطح عامه مردم و خواص و مدیران و سیاستگذاران و تصمیم سازان و تصمیم گیران و مجریان، فرهنگ تحقیق وجود ندارد. این امر البته خود ناشی از دلایل متعددی است که مهم ترین آنها عدم احساس نیاز به تحقیق به دلیل وجود وابستگی و انحصارات و عدم وجود رقابت از بعد کیفیت و هزینه در همه حوزه ها و سطوح است.

نکته قابل توجه آنکه، علی رغم تعدد مسائل مبهم و ناشناس در کشور و علیرغم وجود مشکلات متعدد در زمینه های گوناگون اجتماع، پرسشها و سوال های تحقیقاتی مورد نیاز کشور هنوز بدرستی احصا و تبیین نشده اند و با این حال متاسفانه پژوهش های انجام گرفته و در حال انجام کشور بیشتر با تکیه بر فرم صورت می پذیرد تا تکیه بر محتوا و بیشتر هدف است تا ابزار.

#### 2- مشکلات مالی :

از جمله سطح نازل سهم تحقیقات در تولید ناخالص ملی، سطح نازل سرمایه گذاری بخش خصوصی در فعالیت های تحقیقاتی و سطح نازل بهره برداری از ظرفیت های انسانی، مالی و فیزیکی تحقیقاتی.

#### 3- ضعف مدیریت:

این مشکل گسسته بودن رابطه آموزش، تحقیقات و صنعت، حاکمیت قوانین دست و پاگیر اداری و مالی، ناکارایی در مدیریت علمی، عدم تمرکز در سیاستگذاری، تمرکز زدایی در اجرا، عدم توجه به اولویت ها و نیازهای تحقیقاتی، ضعف جامع نگر، ابتلا به روزمرگی، فقدان نگرش آینده نگر، فقدان نظام نظارت و ارزیابی بر روند توسعه تحقیقات در کشور و مسایلی از این دست تجلی می یابد.

#### 4- ضعف ارتباطات:

که وجه مشخصه آن نامطلوب بودن ارتباطات میان بخش تحقیقات با اقتصاد، سیاست، فرهنگ و جامعه، ضعف ارتباط با دنیای پویای علم و فن آوری، ضعف مفرط پایگاه های اطلاعات و نظام اطلاع رسانی و مانند آن است.

#### 5- ضعف نیروی انسانی:

که در آن می توان به کمبود تعداد محققان، تساهل و کم کاری در ابداع و تولید دانش و تحمل نکردن مشکلات برای نیل به نتیجه تحقیق، سطح نازل دانش روز در میان محققان و پژوهشگران، ضعف جایگاه معنوی و اجتماعی محققان و موارد مشابه اشاره کرد. (البته به این فهرست می توان موارد متعدد دیگری را نیز افزود.)

آنچه در روزگار ما در حکم کیمیاست، فرهیخته ای درد آشنا، رسانه شناس و متفکر است که از عبودیت نظریه ها و آرا و دیدگاه های مسلط غربی در حوزه رسانه، همزمان با شناخت کامل آنها رهیده باشد و عقلانیت جاری و ساری در فرهنگ و سنن و رسوم این ملت را به درستی بشناسد و دغدغه او حل مشکلات فرهنگی کشور و به ویژه ارتقای رسانه ها به جایگاه در خور باشد.

### آغاز نهضت استقلال طلبانه مردم قبرس بر ضد دخالت های ترکیه در سال 1950 میلادی

مردم قبرس نهضت استقلال طلبانه خود را بر ضد دخالت های دولت ترکیه در سال 1950 میلادی آغاز کردند. قبرس جزیره ای واقع در مدیترانه خاوری است که از قرن شانزدهم میلادی تحت سلطه عثمانی قرار گرفت و این سلطه تا آغاز جنگ جهانی اول در سال 1914 میلادی ادامه یافت. در این سال عثمانی با آلمان متحد شد و انگلستان قبرس را به تصرف خود درآورد و در سال 1925 میلادی آن را مستعمره خود اعلام کرد. از آن پس میان قبرسی های یونانی نژاد و ترک نژاد درگیری شدت یافت و سرانجام در اوت 1960 میلادی قبرس بصورت جمهوری مستقل و عضو جامعه مشترک المنافع شناخته شد.

